

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

کلام مرحوم آخوند را درباره حجیت یا عدم حجیت قول لغوی ملاحظه فرمودید.

اشکال اول به مرحوم آخوند: که مربوط به ساختار کفایه می شود؛ ایشان در ابتدا می فرماید اذا كان الشك در مراد متکلم از ناحیه وضع لغت یا از ناحیه متفاهم از جمله عرفاً چه کار باید بکنیم؟ بعد ایشان می فرماید مشهور گفته اند در تعیین اوضاع به لغوی رجوع می شود.

ایشان ابتدای کلامش دو قسم دارد: 1: شک در مراد متکلم از ناحیه وضع لغت 2: شک در مراد متکلم از ناحیه شک در متفاهم عرفی.

فرق اول با دوم: مثال برای اولی: شارع می فرماید نماز در خارج از وطن شکسته است، الان ما نمی دانیم معنای موضوع له وطن چیست؟ مثال برای دومی: اما در برخی موارد ما در دلالت تصویری شک نداریم اما در دلالت تصدیقی شک داریم مثل وقوع الامر عقیب الحظر الان من نمی دانم امر عقیب حظر وجوب است، یا اباحه است؛ آقای آخوند شما با دو قسم، کلام خود را آغاز می کنید اما در ادامه صحبتی از قسم دوم نمی کنید.

اشکال دیگر: ایشان در ابتدا می فرماید ما در مورد مستعمل فیه بحث نمی کنیم اما در دلیل چهارم می فرماید: بعضی وقت ها ما معنای حقیقی را هم نمی فهمیم ولی از قول لغوی مستعمل فیه را کشف می کنیم و همین برای فتوا دادن کافی است؛ آقای آخوند اگر قول لغوی فایده اش منحصر در تعیین موضوع له نیست و گاه مستعمل فیه را هم می گیرد پس انحصار شما در ابتدای بحث به تعیین موضوع له چه وجهی دارد.

کفایه راجع به دلالت مرکبات مثل مفهوم شرط، وقوع امر بعد از حظر، مفاهیم و... بحث نکرده است؛ نه تنها ایشان بلکه خیلی ها به این نپرداخته اند ولی دیدم مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به این پرداخته است.

اشکال دیگر: آقای آخوند وقتی می خواهد رجوع به متخصص را مطرح کند و اشکال به دلیل مشهور بگیرد می فرماید قدر متیقن جایی است که شرایط شهادت جمع باشد.

استاد علیدوست: ایشان جوری القاء می کند که انگار ما در یک فضای تاریکی قرار داریم که یک قدر متیقن وجود دارد و یک قدر مشکوک؛ در حالی که ما در بحث، فضای تاریکی نداریم تا به قدر متیقن رجوع کنیم؛ این اشکال ما به اشکال کبروی مرحوم آخوند است که عبارت بود از: المتخصص یرجع الیه؛ اگر کسی این ابهام را پیشینه کاوی و پسینه کاوی بکند به ریشه بنا عقلا پی می برد و لذا درگر جای قدر متیقن گیری نیست.

آیا مردم در مراجعه به متخصص عدالت شخص را مورد توجه قرار می دهند؟! برای ما در لغت فیومی مسلمان سنی با طریخی مسلمان شیعی و با نویسندگان المنجد که مسیحی است چه فرقی می کند؟ پس معلوم می شود مذهب و عدالت و عدد معتبر نیست پس قدر متیقن آن چیزی که مرحوم آخوند می فرماید، نیست بلکه قدر متیقن اوسع است.

نکته بعد: ایشان فرمود: مع اجتماع شرائط الشهاده... ما گفتیم شهادت را جایی که عن حس باشد یا قریب به حس باشد به کار می برند مرحوم آخوند می فرماید: ممکن است بگوییم قول لغوی مصداق شهادت است و لذا شرائط شهادت در آن معتبر است ولی اگر مصداق کارشناسی باشد نیاز به شرائط شهادت ندارد. ما می پرسیم: اگر میگوید شهادت نیاز به شرائط دارد، باید بگویید به طریق اولی کارشناسی نیاز به شرائط دارد چرا؟ چونکه شهادت اخبار عن حس است اما کارشناسی اخبار عن حدس است و اخبار از حدس سخت تر مورد قبول واقع می شود؛ همه می دانند که در کارشناسی عدد و عدالت شرط نیست.

لکن الانصاف: ممکن است مرحوم آخوند بگوید: نگفتم قول لغوی مصداق شهادت است؛ بلکه گفتم قول لغوی شرائط شهادت را لازم دارد؛ پس اشکال اولویت شما درست نیست.

استاد علیدوست: انصاف این است که ظاهر کفایه می گوید که قول لغوی اگر مصداق شهادت باشد شرائط در آن معتبر است. اشکال دیگر: ایشان در استدلالی که فرمود: اللغوی متخصص فی اللغه... صغری را قبول نکرد و فرمود چه کسی گفته است که لغوی متخصص است؟! لغوی فقط در مستعمل فیه متخصص است نه در موضوع له.

استاد علیدوست: شما که می گوئید لغوی تخصص ندارد منظور شما چیست؟ آیا لغویون موجود مرادتان است؟ یا نه، می خواهید بگوئید لغوی در گذشته و حال و آینده و در اسلام و غیر اسلام و... خبرویت ندارد.

اگر می خواهید خبر از خارج بدهید این که ارزش علمی ندارد و فقط عقیده شماست؛ اما ما لغوی مثل ابن فارس را می شناسیم که ایشان معنای حقیقی را مطرح می کند یا زمخشری معنای حقیقی را مطرح می کند. و در ضمن شما که آینده را پیش بینی نکردید، چه بسا در آینده لغویین متخصص بیایند. ممکن است مراد مرحوم آخوند این باشد که لغوی بما هم لغوی تخصص ندارد و کسی مثل ابن فارس و زمخشری لغوی محسوب نمی شوند.

استاد علیدوست: ما می گوئیم تشخیص معنای حقیقی از مجازی که ابن فارس و زمخشری انجام داده اند یکی از کارهای لغویین است.

**الحمد لله رب العالمین**